

تفاوت بین نسلی احساس امنیت اجتماعی در بین والدین و فرزندان ساکن شهر یزد

سید علیرضا افشانی^۱

دانشیار جامعه‌شناسی

دانشگاه یزد

مهناز فرقانی^۲

دانشجوی کارشناسی ارشد

جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

(تاریخ دریافت: بهمن ۱۳۹۵، تاریخ پذیرش: اردیبهشت ۱۳۹۶)

چکیده

بستر اجتماعی اختلال در روابط بین نسلی عمدتاً ناشی از اختلال در جریان جامعه‌پذیری است که از طریق آن ارزش‌ها، باورها، اعتقادات و هنجارهای اجتماعی به نسل‌های جدید منتقل می‌شود. اختلال در جریان جامعه‌پذیری، علاوه بر اختلال در روابط بین نسلی، می‌تواند در فرآیند تولید و حفظ نظم و امنیت اجتماعی نیز تأثیرگذار باشد. در پژوهش حاضر به مقایسه میزان احساس امنیت اجتماعی در بین والدین و فرزندان ساکن شهر یزد پرداخته می‌شود. روش پژوهش از نوع پیمایشی است. داده‌ها با ابزار پرسشنامه و با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از ۴۹۲ نفر از والدین و فرزندان ساکن شهر یزد جمع‌آوری شده است. احساس امنیت اجتماعی در دوازده بُعد امنیت جانی، شغلی، مالی، اقتصادی، اخلاقی، اعتقادی، قضایی، فرهنگی، نوامیس، حقوقی، عاطفی و امنیت احساسی در بین والدین و فرزندان سنجیده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین ابعاد مختلف احساس امنیت اجتماعی، به غیر از بعد امنیت نوامیس، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. بر اساس یافته‌های آزمون تی، احساس امنیت قضایی و فرهنگی در والدین یزدی به‌طور معناداری کمتر از فرزندان بوده؛ درحالی‌که احساس امنیت عاطفی و احساسی در فرزندان کمتر از والدین است. تفاوت معناداری در سایر ابعاد امنیت اجتماعی بین فرزندان و والدین وجود نداشت.

واژگان کلیدی: تفاوت بین نسلی، احساس امنیت اجتماعی، والدین، فرزندان، یزد.

۱. آدرس الکترونیکی: afshanalireza@yazd.ac.ir

۲. آدرس الکترونیکی: mahnaz_forghany@yahoo.com

مقدمه

مقوله تفاوت و به‌طور کلی اختلاف‌های نسلی، یکی از مصادیق و توابع گذار جوامع از صورت سنتی به شکل مدرن است. باور اصلی در این خصوص آن است که فرهنگ نوین جامعه، در تعارض با فرهنگ غالب بزرگان جامعه قرار می‌گیرد و یا با آن فاصله‌ای قابل تأمل می‌یابد (ساروخانی و صداقتی‌فرد، ۱۳۸۸: ۸). مسئله جوانان در ایران و روابط نسلی میان آن‌ها و نسل سالمندتر جامعه، مستلزم بحث در خانواده است؛ زیرا خانواده به‌عنوان کانون اصلی تعامل بین نسلی، ضمن فراهم‌ساختن رابطه تعاملی میان نسل‌ها، محل تفاوت‌ها و تعارض‌های نسلی نیز است (آزادارمکی، ۱۳۸۳: ۵۷۰). جامعه در حال گذار ایرانی از گزند شکاف‌های مختلف و متنوعی که دامن‌گیر این‌گونه جوامع است، مصون نبوده و نیست. در یک تأمل آسیب‌شناختی، علل و عوامل بسیاری در ظهور، بروز، تداوم و تحول این شکاف‌ها نقش دارند. با تغییر ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران و توسعه استفاده از فناوری‌های ارتباطی، نظیر اینترنت و ماهواره، به‌ویژه توسط جوانان در دهه‌های اخیر، نظام اجتماعی دچار چالش‌های جدی در روابط بین‌نسل‌ها در بسیاری از حوزه‌های اجتماعی، از قبیل امنیت اجتماعی، شده است و زمینه مساعدی برای تفاوت و به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، تعارض در نظام ارزش‌های جوانان بین بزرگ‌سالان به‌وجود آمده است؛ به‌گونه‌ای که روابط بین‌نسل‌ها تحت تأثیر شرایط اجتماعی- فرهنگی جدید قرار گرفته و در آن دگرگونی‌هایی پدید آمده است (احمدی و حامد، ۱۳۹۰: ۱۸۶). امنیت مقوله‌ای اساسی در هر نظام اجتماعی است و جوامع، اولویت نخست خود را به برقراری امنیت در جامعه اختصاص می‌دهند. امنیت پدیده‌ای چندبُعدی است و مطالعه میزان آن در یک جامعه از جهات مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر است (گیدنز، ۱۳۸۱). الین می‌گوید: «اگر مردم از فضایی به‌دلیل راحت‌نبودن و یا ترس استفاده نکنند، عرصه عمومی از بین رفته است. یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده حضور مردم در فضاهای عمومی ترس یا احساس ناامنی است. ناامنی مکان‌ها و فضاهای عمومی، نشاط و سلامتی را در زندگی روزمره مختل کرده و با ایجاد مانع بر سر راه رشد فرهنگی و مشارکت عمومی، هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌کند (افتخاری، ۱۳۸۱: ۱۰). امنیت اجتماعی به قلمروهایی از حریم افراد مربوط می‌شود که در ارتباط با دیگر افراد جامعه، سازمان‌ها و دولت است. بیشتر افراد جامعه، به‌طور مستمر و در طول زندگی

روزمره، با این قلمروها روبه‌رو می‌شوند و زندگی آن‌ها مستلزم ارتباط در این قلمروها است. همه جوامع پاره‌ای نیازهای اساسی دارند که معمولاً مشترک است؛ مانند غذا، خوراک، امنیت، عشق و غیره. مسلم است که امنیت اجتماعی هر جامعه یکی از نیازهای اساسی است (محمدی، بگیان و موسوی، ۱۳۹۱: ۱۴۶).

امنیت اجتماعی که دارای شرایط ساختاری و الگوهای کنشی در جامعه است، به‌عنوان پدیده‌ای در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه، یعنی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب، مورد توجه مردم و گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد و در صورت تحقق نیافتن، مانع تحقق اهداف و تهدیدکننده ارزش‌ها و کمال مطلوب نظم اجتماعی و توسعه جامعه خواهد شد. از آنجا که توسعه و بهبود حیات اجتماعی انسان دارای دو بُعد ارزشی - هنجاری و اثباتی - واقعی است، امنیت اجتماعی از بُعد ارزشی و هنجاری برای رسیدن به اهداف و کمال مطلوب جامعه و همچنین از بُعد اثباتی و واقعی در راستای مقدرات و محدودیت‌های موجود بر راه رسیدن به توسعه پایدار باید مطالعه شود. با توجه به این مسئله و در راستای توسعه پایدار جامعه می‌توان اهداف توسعه را توأم با امنیت به دو دسته خاص و عام تقسیم کرد: «اهداف خاص مرتبط با ارزش‌های خاص هستند که بر حسب هریک از واحدهای اجتماعی، نظیر گروه، قشر، طبقه، قوم، شهر، روستا، نظام اجتماعی و جامعه تغییر می‌یابند؛ ولی اهداف عام منبث از ارزش‌های عام و فراگیر چون دانایی و خردگرایی، صداقت، آزادی و مردم‌سالاری، عدالت و مساوات‌طلبی، بهره‌برداری بهینه از منابع برای پاسخگویی به نیازهای مردم و رشد و شکوفایی استعدادهای آنان و نظایر آن هستند که در میان همه واحدهای اجتماعی کمابیش مشترک هستند و شاخص‌های عام توسعه را تشکیل می‌دهند» (عبداللهی، ۱۳۸۷: ۱۱). با توجه به آنچه گفته شد، صرف نظر از این که احساس امنیت کاهش یافته باشد یا خیر، مطالعه آن همواره اهمیت زیادی دارد؛ ولی بیشتر مطالعاتی که صورت می‌گیرد یا گروه خاصی را دربرمی‌گیرد یا همه گروه‌ها را؛ از این‌رو پژوهشگران در مطالعه حاضر قصد دارند به بررسی احساس امنیت اجتماعی در بین دو نسل (والدین و فرزندان) در خانواده‌های ساکن در شهر یزد بپردازد تا مشخص کنند آیا نسل جوان و امروزی (۱۵ تا ۲۹ ساله) شهر یزد با نسل قبلی (والدین آن‌ها) یزدی‌ها به لحاظ احساس امنیت اجتماعی دارای تفاوت هستند یا خیر؟

پیشینه پژوهش

به طور کلی بیشتر پژوهش‌های موجود درباره امنیت اجتماعی به بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی می‌توان یافت که به مقایسه امنیت اجتماعی در بین دو نسل، یعنی والدین و فرزندان، پرداخته باشد.

یافته‌های پژوهش ذاکری هامانه و دیگران (۱۳۹۱) در بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی در شهر یزد، حاکی از وجود رابطه مستقیم و معنادار سرمایه اجتماعی و ابعاد سه‌گانه آن با احساس امنیت اجتماعی بود. خواجه‌نوری و کاوه (۱۳۹۲) با مطالعه رابطه بین مصرف رسانه‌ای و احساس امنیت اجتماعی به این نتیجه رسیدند که استفاده از تلویزیون داخلی و رادیو داخلی بیش‌ترین تأثیر تعاملی را بر احساس امنیت داشته است. در مراتب بعدی تأثیر تعاملی، استفاده از اینترنت و بلوتوث، تلویزیون خارجی و بلوتوث، تلویزیون خارجی و موبایل، اینترنت و موبایل، تلویزیون خارجی و اینترنت قرار دارد. یحیی‌زاده و خدیری (۱۳۹۲) به این نتیجه رسیدند که با افزایش میزان سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد؛ همچنین عنصر اعتماد بیش‌ترین همبستگی را با امنیت اجتماعی داشت و سپس به ترتیب مشارکت، آگاهی و سپس انسجام اجتماعی تأثیرگذار بودند. نتایج پژوهش بهیان و فیروزآبادی (۱۳۹۲)، حاکی از آن بود که بین متغیرهای فضای فیزیکی شهر، فضای اجتماعی شهر، مشاهده تلویزیون داخلی، گوش کردن به رادیو داخلی، استفاده از اینترنت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، سن و جنس با میزان احساس امنیت، رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌های پژوهش افشارکهن و رحیقی یزدی (۱۳۹۲)، نشان داد که متغیرهای فضای فیزیکی، قلمروگرایی، نظارت اجتماعی و تعاملات اجتماعی بر احساس امنیت تأثیر دارند؛ ولی میان میزان جرم با احساس امنیت رابطه‌ای به دست نیامد. همچنین متغیرهای تصور مردم، دستیابی به امکانات و سخت کردن آماج جرم بر میزان جرم تأثیر دارند. یافته‌های پژوهش حسن‌زاده ثمرین و دیگران (۱۳۹۳)، حکایت از رابطه مستقیم و معنادار سرمایه اجتماعی و ابعاد سه‌گانه آن با احساس امنیت اجتماعی داشت. نتایج یافته‌های رضویان و آقایی (۱۳۹۳)، نشان داد که احساس امنیت در محله جماران بیشتر از محله فاطمی است.

نتایج یافته‌های اسکوگان^۱ (۱۹۸۶)، حاکی از آن است که بحث کردن با همسایه‌ها درباره ماجراهای ناامنی و مطلع شدن از احوال بزه‌دیدگان محلی و یا رفتارهای ضداجتماعی می‌تواند بر میزان ترس و نوع برآورد افراد از خطر بزه‌دیدگی تأثیر بگذارد که شبکه‌های محلی در این زمینه نقش اساسی دارند. باراک^۲ (۱۹۹۴)، به این نتیجه رسید که تمایل رسانه‌ها به ارائه گزارش‌ها و وقایع غیرواقعی، احساسی و نیز ناتوانی رسانه‌ها در قراردادن اخبار در بسترهای واقعی خود و ارائه آن به مخاطبان باعث اطلاع‌رسانی غلط به مخاطبان و ایجاد ترس از جرم و خشونت (احساس ناامنی) در جامعه شده است. یافته‌های پژوهش پاتنام (۲۰۰۲)، نشان داد که درآمد خانوار و وضعیت بازار کار، شاخص ترکیبی وضعیت شغلی، شامل امنیت شغلی، سطح درآمد و وقت اضافه، دین، دین‌باوری و تعهد دینی، آموزش، سن، شهر در برابر حومه، اندازه خانوار، جنس، مشارکت بازار کار زنان، با متغیر سرمایه اجتماعی رابطه مستقیم دارد. لایندستروم^۳ و دیگران (۲۰۰۳)، در بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس ناامنی در محله، به این نتیجه رسیدند که عوامل فردی و محله‌ای ۷/۲ درصد از کل واریانس احساس ناامنی افراد محل‌ها را تبیین می‌کند. این تأثیر با وارد کردن عوامل فردی در مدل، کاهش می‌یابد و به ۰/۷ درصد می‌رسد. جکسون^۴ (۲۰۰۷)، نشان داده است که حداقل، برخی از جنبه‌های مفهوم آسیب‌پذیری می‌تواند سطوح متفاوت ترس از جرم و ناامنی را بین گروه‌های سنی و جنسیتی توضیح دهد. لایندستروم (۲۰۰۸) در پژوهش خود به این نتایج رسید که افراد مختلف با توجه به نوع محیط پیرامونی، بینش متفاوتی از مفهوم امنیت دارند و احساس امنیت را با توجه به نظام اقتصادی، نظام سلامت و تجربه‌های فردی ناامنی، متغیر دانسته و دلهره ناشی از احساس ناامنی را بیشتر از ناامنی واقعی و عینی در ذهن خود تصور می‌کنند. راینا و سومبالی بهان (۲۰۱۳) در بررسی احساس امنیت-ناامنی در میان نوجوانان در ارتباط با جنسیت، نظام خانواده و جایگاه ترتیبی نشان دادند که دختران نسبت به پسران احساس ناامنی بیشتری می‌کنند. نوجوانان متولدشده در خانواده هسته‌ای، ناامن‌تر از نوجوانان متولدشده در خانواده مشترک هستند. یافته‌ها نشان داد که نوجوانی که فرزند اول خانواده است نسبت به نوجوانی

1. Skogan
2. Barak
3. Lindstrom
4. jackson

که در جایگاه متوسط و آخر در میان فرزندان خانواده قرار دارد، احساس ناامنی بیشتری می‌کند. ورما^۱ و موخرجی^۲ (۲۰۱۴) در پژوهش صفحه اصلی محیط‌زیست در رابطه با احساس امنیت و اعتماد به نفس نوجوانان به این نتیجه دست یافتند که محیط خانه دارای ارتباط معنادار با متغیر احساس امنیت است، ولی با متغیر اعتماد به نفس نوجوانان ارتباط معناداری ندارد.

ملاحظات نظری

از منظر نظریه پردازان کنش متقابل نمادین، امنیت اجتماعی حاصل فرایند مستمر کنش متقابل میان اعضای یک جامعه است. کنش متقابل در این نظریه برای کسانی شکل می‌گیرد که در وضعیت امنیت اجتماعی قرار دارند و دیگران به آن‌ها عکس‌العمل نشان می‌دهند. بر طبق این دیدگاه، با توجه به اینکه جامعه، سازمانی سیال و در حال تغییر و تحول دانسته شده است، پس به واسطه گفت‌وگوی مستمر بین اعضای یک جامعه به صورت دائم و به وسیله نمادهای معنادار، امنیت اجتماعی تولید می‌شود. برای مثال، امروزه، با توجه به تغییر و تحولاتی که در جامعه رخ داده است، یکی از عناصری که به شدت تحت تأثیر این فراز و نشیب‌ها قرار گرفته است، مقوله امنیت اجتماعی است که این امر باعث به وجود آمدن نوعی تفاوت بین دو نسل قدیم و جدید در بیشتر موارد، از جمله احساس امنیت اجتماعی، شده است (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۱۹).

نظریه پردازان امنیت اجتماعی، همچون گیدنز^۳، مولار^۴، بوزان^۵، ویور^۶ و میتار^۷، هویت را به مثابه روح جامعه قلمداد کرده‌اند که در تبیین امنیت اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ زیرا با توجه به تغییرات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فناوری که به سرعت در حال رخ دادن در سطح جهان است؛ توجه به بسترها و زمینه‌های اجتماعی امنیت، امری ضروری و انکارناپذیر است؛ بنابراین امنیت اجتماعی از این دیدگاه نوعی فرآیند تولید و حفظ تعلقات

1. Verma
2. Mukherjee
3. Giddens
4. Mahler
5. Buzan
6. Weaver
7. Mytar

و پیوندهای متقابل درون هر یک از واحدهای اجتماعی و میان واحدهای اجتماعی است که می‌تواند در یک نظام اجتماعی به منظور پاسداری و حراست از حیات واحدها، گروه‌های اجتماعی یک جامعه و تضمین بهره‌گیری آنان از منافع و ارزش‌ها یا همان فرصت‌ها استفاده کند؛ بنابراین فضای فکری نظریه‌پردازان امنیت اجتماعی بر مبنای زایش دولت‌های ملی و طرح منسجم ملی‌گرایی در عرصه روابط سیاسی است که محور اصلی امنیت اجتماعی در حوزه یک دولت ملی تحقق پیدا می‌کند. با توجه به اهمیت چنین موضوعی مهم‌ترین دیدگاه‌های این نظریه‌پردازان در زمینه امنیت اجتماعی به صورت مجزا در سطور زیر تشریح و تبیین می‌شود.

به عقیده آگوست کنت، جامعه به وجود نمی‌آید، مگر آنکه اعضای آن اعتقادات واحدی داشته باشند. بدین سان جامعه نیز مانند هر پدیده طبیعی مادی، تابع قوانین تغییرناپذیری است و در صحنه زندگی اجتماعی همواره مجموعه‌ای اصول و قواعد وجود دارد که باعث می‌شود عقل افراد با توافق یک صدا از افکار کلی که به آیین مشترک منجر می‌شود، تبعیت کنند و با این هماهنگی بین ذهن‌ها، نظم اجتماعی استقرار می‌یابد. بر این اساس، جامعه‌شناسی امنیت از دیدگاه کنت به بررسی عواملی می‌پردازد که در روند تحول طبیعی جوامع، اختلال ایجاد می‌کند و استقرار مرحله اثباتی را به تعویق می‌اندازد. از دید وی، امنیت فکری، وجهی از امنیت اجتماعی است که جامعه برای دستیابی به نظم اجتماعی پایدار، نیازمند تبادل افکار و عقاید در شرایط آرام و بدون دغدغه و هراس است که این امر در گروه امنیت فکری است. مصونیت اندیشه‌ها و افکار از خطرها و تهدیدهایی، چون سانسور، شرایط را برای امتزاج و توافق اذهان فراهم کرده و بستر لازم را برای ایجاد نظم جدید بر مبنای اجماع جدید در روندی طبیعی و نظم اجتماعی که ضامن امنیت است، مهیا می‌کند (نویدینیا، ۱۳۸۵: ۳۰).

کن، امنیت فکری را وجهی اساسی از امنیت اجتماعی می‌داند؛ زیرا جامعه برای رسیدن به نظم اجتماعی که اساس اصلی امنیت است، نیازمند تبادل اندیشه‌ها و عقاید در شرایطی آرام و بدون نگرانی و ریسک است که این امر در گروه امنیت فکری است. مصونیت اندیشه‌ها از ریسک‌هایی چون سانسور، نداشتن آزادی بیان، عقاید نوآورانه و خلاق، می‌تواند جامعه را در روند عادی امنیت قرار دهد و نظم اجتماعی نهادینه‌شده را ایجاد کند (صالحی‌امیر و افشاری‌نادری، ۱۳۹۰: ۵۷-۵۶).

آنتونی گیدنز تأکید کرده است که برای درک ضرورت توجه به امنیت باید به سیمای مخاطره آمیز بودن جامعه مدرنیته به دقت توجه کرد. وی این سیما را «جهانی شدن مخاطرات» نامیده است. این خطرها در سرتاسر جهان افراد را تحت تأثیر قرار داده است؛ مانند تقسیم کار جهانی. این خطرها بر سرنوشت تمام افراد جهان تأثیر دارد. با توجه به این مسئله «امنیت چه به معنای بالفعل و چه به معنای تجربی آن، ممکن است به مجموعه‌هایی از آدم‌ها تا به مرز امنیت جهانی مرتبط باشد». تجربه امنیت به تعادل اعتماد و مخاطره بستگی دارد. به این ترتیب گیدنز، مصونیت در برابر خطرها را امنیت تعریف کرده است. در نظر گیدنز، خطر و امنیت دو روی یک سکه را تشکیل می‌دهند؛ به گونه‌ای که وقتی روی امنیت در دست است؛ خطر رخت بر بسته است و برعکس زمانی که با خطر دست‌وپنجه نرم می‌کنیم، امنیت مخشوش و پنهان است (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۲۰). گیدنز، در بحث امنیت به مفهوم امنیت وجودی اشاره می‌کند. ضرورت این مفهوم برای مقاومت در مقابل هجوم گسترده و بی سابقه مخاطرات نهادهای مدرنیته است؛ بنابراین امنیت وجودی عبارت است از: «ایمن بودن؛ یعنی در اختیار داشتن پاسخ‌هایی در سطح ناخودآگاه و خودآگاهی عملی برای بعضی پرسش‌های وجودی بنیادین که همه آدمیان طی عمر خود به نحوی مطرح کرده‌اند. به عبارت دیگر این اصطلاح به اطمینانی برمی‌گردد که بیشتر آدم‌ها به تداوم تشخیص هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی و مادی کنش در اطراف خود دارند» (گیدنز، ۱۳۷۸: ۶۲-۶۱).

امیل دورکیم، معتقد است که جامعه نیازمند انضباط و نظارت بر اعمال افراد و محدود کردن تمایلات و آرزوهای سیری‌ناپذیر آنان از طریق فشار اجتماعی است (تنهایی، ۱۳۷۴: ۱۳۳). این فشار و تحمیل اجتماعی در نظامی ساختاری از همبستگی اجتماعی رخ می‌دهد و سلامت جامعه را منوط به میزان درجه همبستگی اجتماعی می‌داند. همبستگی اجتماعی می‌تواند وحدت، سلامت و یکپارچگی گروه را تعیین کند. دورکیم، دو نوع حقوق تنبیهی و ترمیمی را برای برقراری نظم و وجود امنیت در جامعه مورد توجه قرار داده است. حقوق ترمیمی عبارت است از: ایجاد هم‌زیستی منظم و مقرر بین افرادی که وضع اجتماعی آن‌ها از هم متمایز است؛ شامل قوانین جبران‌کننده و ترمیم‌کننده خسارات، مانند حقوق اداری و تجاری و حقوق تنبیهی که خطاها یا جرائم را کیفر می‌دهد و معرف وجدان جمعی در جوامع دارای همبستگی است (کوزر، ۱۳۷۰).

به عقیده دورکیم، مذهب نیز دیگر قادر نیست با حذف علل عمیق شرع به نابسامانی پایان دهد. ادیان در جامعه جدید بیش از پیش، جنبه انتزاعی و فکری پیدا کرده‌اند. ادیان بدین سان اگرچه تا حدودی تصفیه می‌شوند، اما نقش اجبار اجتماعی خویش را هم از دست می‌دهند (دورکیم، ۱۳۸۳). امنیت معلول نظم اخلاق یا اخلاقیات مشترک است؛ به گونه‌ای که با حضور ارزش‌ها و باورهای مشترک به همان نسبت که پیوند و علقه‌های جمعی افزایش می‌یابد، امکان تعدی به حقوق یکدیگر و تجاوز به مال و جان دیگران کاهش می‌یابد (صالحی‌امیری و افشاری‌نادری، ۱۳۹۰: ۵۸).

کارل مارکس برای پاسخ به اینکه انسان در اجتماع چگونه، بر چه اساسی و تحت هدایت چه چیزی، زندگی جمعی و رفتارهای خویش را سامان می‌دهد و از خطرها و تهدیدها در امان می‌ماند، مدلی از تضاد را مطرح کرد. مارکس با این فرض، کار خود را آغاز می‌کند که سازمان‌بندی اقتصادی، به‌ویژه مالکیت و ابزار تولید، ساختار کل جامعه را تعیین می‌کند. نگاه به سازوکارهایی در جامعه که تضاد را اجتناب‌ناپذیر و قهرآمیز می‌کردند و انعکاسی از مبانی اقتصادی جامعه بودند، ویژگی عمده نظریه‌های مارکس را تشکیل می‌دهد. او معتقد است که انسان اجتماعی و آگاه برای رفع نیازهای جسمانی خود به انجام فعالیت آگاهانه «یعنی کار» تمایل دارد؛ از این رو «امنیت» را در ارتباط با «کار» معنا می‌کند و امنیت را به دفع خطرها و آسیب‌ها، به‌منظور استمرار بقا و حیات بشر و بهبود شرایط زندگی در نظر می‌گیرد (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۰). دیدگاه مارکسیستی امنیت، خصلت طبقاتی دارد و بین امنیت و طبقات اجتماعی ارتباط قائل است و امنیت را حفظ منافع طبقاتی و مالکیت وسایل تولید می‌دانند؛ یعنی طبقه مسلط با قبولاندن منافع خصوصی خود به‌عنوان منافع ملی بیشتر از سایر طبقات خواهان امنیت است. به همین دلیل امنیت را کنترل وسایل تولید و روند انباشت سرمایه و اعمال نفوذ در تولید، دستمزدها و قیمت‌ها تعبیر کرده و امنیت جامعه را به امنیت برای خود تبدیل می‌کند (صالحی‌امیری، افشاری‌نادری، ۱۳۹۰: ۵۸-۵۹).

به اعتقاد مازلو، نیازهای آدمی از دارای سلسله‌مراتب هستند که رفتار افراد در لحظات خاص تحت تأثیر شدیدترین نیاز قرار می‌گیرد. هنگامی که ارضای نیازها آغاز می‌شود، تغییری در انگیزش فرد رخ خواهد داد؛ بدین گونه که به جای نیازهای قبل، سطح دیگری از نیاز، اهمیت می‌یابد و محرک رفتار خواهد شد. نیازها به همین ترتیب تا پایان

سلسله مراتب نیازها اوج می‌گیرند و پس از ارضا، فروکش می‌کنند و نوبت را به دیگری می‌سپارند. پس از رفع نیازهای فیزیولوژیک نیاز به ایمنی و انگیزه انسان قرار می‌گیرد که شامل ایمنی، ثبات، حمایت، نظم و رهایی از ترس و اضطراب است. به اعتقاد مازلو همه انسان‌ها تا اندازه‌ای نیاز دارند که امور، جریانی عادی و قابل پیش‌بینی داشته باشند؛ زیرا تحمل عدم اطمینان دشوار است؛ در نتیجه می‌کوشند تا حد امکان به احساس امنیت، حمایت و نظم دست یابند (شولتز، ۱۳۷۵: ۱۱۵).

از دیدگاه مولار^۱، امنیت اجتماعی زمانی حاصل می‌شود که جامعه تهدیدی در باب مؤلفه‌های هویتی خود احساس کند. به نظر مولار، امنیت اجتماعی مقوله‌ای است که افراد و دولت به همراه یکدیگر در تأمین آن سهیم و شریک هستند و از این رو، به تدریج و با غیرقابل تفکیک بودن دولت و جامعه از یکدیگر، همین حالت درخصوص ناامنی آن دو مصداق پیدا می‌کند. در حال حاضر با توجه به کاهش کنترل حکومت‌ها بر جوامع خود، ظهور جنبش‌های جدایی طلب، فراملی، افزایش مهاجرت روزافزون و جریان حرکت پناهندگان و چهارچوب‌های در حال تحول داخلی و خارجی و بررسی روابط دولت و مردم امری اجتناب‌ناپذیر است و تعریف گفتمان جدید امنیتی برای تنظیم روابط میان مردم و دولت‌ها در قالب گروه‌های اجتماعی ضروری است؛ وی در همین راستا مفهوم امنیت اجتماعی را بیان می‌کند (بیات، ۱۳۸۸: ۸۴-۸۳).

بوزان امنیت اجتماعی را با توانمندی‌ها و ظرفیت‌های یک جامعه در جهت حراست و حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی شاخص‌سازی کرده است و از این نگاه حراست از عناصر اصلی انسجام اجتماعی جامعه را شرط تحقق امنیت برای بقا و استمرار جامعه دانسته است. بوزان بر این عقیده است که زمانی امنیت اجتماعی مطرح است که نیروهای بالقوه یا بالفعل به‌عنوان تهدیدی برای هویت افراد جامعه وجود داشته باشد. امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ مجموع ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر به جنبه‌هایی از زندگی فرد معطوف می‌شود که هویت گروهی را سامان می‌بخشد. بوزان، بحث خود را با بیان ارگانیک‌نهیته در این نظریه آغاز می‌کند و معتقد است، امنیت اجتماعی به مقابله با

1. Molar

اخطرهایی می‌پردازد که به صورت نیروهای بالقوه یا بالفعل هویت افراد جامعه را تهدید می‌کنند. امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن خودشان را عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر، مربوط به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌شود که هویت اجتماعی او را سامان می‌بخشند؛ یعنی حوزه‌ای از حیات اجتماعی که فرد در مقابل آن احساس تعلق و انتساب می‌کند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند، مثل ما ایرانیان، ما زنان، ما مسلمانان، ما اعراب و غیره. حال هر عامل و پدیده‌ای که باعث اختلال در احساس تعلق و پیوستگی اعضای گروه شود، هویت گروه را به مخاطره می‌اندازد و تهدیدی برای امنیت اجتماع محسوب می‌شود. بدین دلیل است که بوزان مفهوم ارگانیک‌کی امنیت اجتماعی را مترادف هویت دانسته و امنیت اجتماعی را مترادف هویتی تلقی کرده است (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶۵).

ویور، بر ارتباط نزدیک میان هویت، جامعه و امنیت تأکید دارد و خاطر نشان می‌کند که جامعه در امنیت، هویت خود را جست‌وجو می‌کند؛ به طوری که باید قادر به حل اختلالات هویتی باشد و اعضای آن نمی‌توانند نسبت به چیزهایی که هویت آن‌ها را تهدید می‌کند، احساس مسئولیت نداشته باشند و آن‌ها را تنها به دولت واگذار کنند. جامعه در این تعریف، بیشتر شامل مجموعه‌ای از افراد است که در یک سرزمین تحت حاکمیت یک دولت - ملت زندگی می‌کنند. ویور، در تحلیل‌های امنیتی جامعه را اساساً به معنی ملت یا اجتماعات قومی تعریف می‌کند که بر اساس ایده ملت فرمول‌بندی شده‌اند؛ از این رو حفظ شرایط داخلی برای تکامل هویت را بنیاد اساسی امنیت اجتماعی دانسته است (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶۲). به نظر ویور در حالی که امنیت ملی تهدیدهایی را مورد توجه قرار می‌دهد که اقتدار دولت را تهدید می‌کند، امنیت اجتماعی، نگران تهدیداتی است که هویت جامعه را مورد تعرض قرار می‌دهد؛ بنابراین، تنها دولت نیست که مرجع امنیت است، بلکه جامعه نیز بخشی از مرجع امنیت محسوب می‌شود. برخی جوامع از نظر جغرافیایی، سیاسی و یا هر دو با دولت خود سازگاری ندارند. امنیت این اجتماعات، موضوع امنیت اجتماعی است؛ یعنی اینکه این جوامع چگونه هویت خود را حفظ کنند (روی، ۱۳۸۲: ۶۹۸)؛ در نتیجه استقرار نظم و امنیت، عامل تداوم ساختار اجتماعی است؛ نظمی که حداقل از چهار ویژگی فراگیر، همدلانه، عادلانه، و پویا برخوردار باشد. هرگونه اختلال در نظم اجتماعی باعث تضعیف احترام متقابل و هویت اجتماعی می‌شود. حال زمانی که هویت چنین گروه‌هایی تهدید

شود، امنیت اجتماعی مطرح خواهد شد؛ به بیان دیگر، زمانی که حیات جامعه در بخش سخت‌افزاری امنیت دچار خطر شود، امنیت ملی است که باید با آن مقابله کند؛ اما زمانی که امنیت جامعه در بخش نرم‌افزاری در معرض چالش قرار می‌گیرد، امنیت اجتماعی با ایجاد حریم برای جامعه از هویت آن دفاع می‌کند (چلبی، ۱۳۸۶: ۷۶).

میران میتار، برای ارزیابی امنیت اجتماعی از مدل سیستمیک استفاده کرده است. در این مدل بر نظریه آنارشیسمی تکیه شده است. وی در این مدل مسائل جامعه را بر اساس سطوح متفاوت (فرد، گروه، سازمان، اجتماع، جامعه، سیستم، فراملی) تحلیل می‌کند و از آنارشی (هرج و مرج)، به جای تعادل، به عنوان وسیله‌ای برای اندازه‌گیری حالات نظام استفاده می‌کند. در نظریه آنارشی اجتماعی از شش متغیر کلان اجتماعی نام می‌برند که عبارت‌اند از: جمعیت، اطلاعات، فضا، فناوری سازمان، سطح کیفی زندگی؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هر گروه اجتماعی اگر از میزان جمعیت، اطلاعات، فضا یا سرزمین، فناوری و سازمان‌دهی بیشتر برخوردار باشد از امنیت اجتماعی بیشتری نسبت به سایر گروه‌ها که بهره کمتری از متغیرهای بالا دارند، برخوردار است (مک‌سوینی^۱، ۱۳۹۰: ۷۲).

امنیت مقوله‌ای اساسی در هر نظام اجتماعی است و جوامع، اولویت نخست خود را به برقراری امنیت در جامعه اختصاص می‌دهند. امنیت پدیده‌ای چندبُعدی است و مطالعه میزان آن در یک جامعه از جهات مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر است (گیدنز، ۱۳۸۱). الین می‌گوید: «اگر مردم، فضایی از به‌دلیل راحت‌نبودن و یا ترس استفاده نکنند، عرصه عمومی از بین رفته است. یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده حضور مردم در فضاهای عمومی ترس یا احساس ناامنی است. ناامنی مکان‌ها و فضاهای عمومی، نشاط و سلامتی را از در زندگی روزمره مختل می‌کند و با ایجاد مانع بر سر راه رشد فرهنگی و مشارکت عمومی، هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌کند (افتخاری، ۱۳۸۴: ۱۰).

1. Mac Sweeney

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ اجرا، پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه خانواده‌های شهر یزد که حداقل یک فرزند ۱۵ تا ۲۹ ساله دارند، تشکیل می‌دهند. برای برآورد حجم نمونه ابتدا یک مطالعه مقدماتی روی ۳۰ نفر از شهروندان یزدی انجام شد تا واریانس صفت مورد مطالعه (احساس امنیت اجتماعی) مشخص شود؛ سپس با فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و با توجه به بزرگ بودن جامعه آماری، حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۲۴۶ نفر تعیین شد. از آنجا که پرسشنامه در هر خانواده توسط یکی از والدین و یکی از فرزندان تکمیل شد، حجم نمونه ۴۹۲ نفر به دست آمد. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه بود. در این پژوهش از اعتبار محتوایی استفاده شده است. برای سنجش پایایی نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد. میزان آلفا برای سازه احساس امنیت اجتماعی (۰/۸۵) به دست آمد.

سنجش احساس امنیت

می‌توان مفهوم امنیت را به مصونیت از تعرض و تصرف اجباری، بدون رضایت و در مورد افراد، به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره‌نیفتادن این حقوق و آزادی‌ها و مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و در کل هر عاملی که آرامش انسانی را از بین ببرد، تعریف کرد (جونز، ۱۹۹۹: ۱۰۴-۱۰۲). امنیت از نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان به‌شمار می‌رود؛ به طوری که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن را می‌گیرد و مرتفع شدن بسیاری از نیازهای آدمی در گرو تأمین امنیت است. آبراهام مازلو نیز در سلسله‌مراتب نیازها، احساس امنیت را بلافاصله پس از ارضای نیازهای اولیه قرار می‌دهد (کاهه، ۱۳۸۴: ۱۳۳).

از نگاه رفتاری بین امنیت و احساس امنیت تفاوت وجود دارد. احساس امنیت اجتماعی لازم‌تر و واجب‌تر از وجود خود امنیت است؛ چراکه ممکن است در یک جامعه امنیت وجود داشته باشد، اما بنا بر دلایلی مردم احساس امنیت نکنند که این خود باعث ایجاد اختلال در روند جامعه و ایجاد ناامنی روانی می‌شود.

برای سنجش میزان احساس امنیت اجتماعی، این مقوله در ۱۲ بُعد جداگانه، شامل امنیت جانی، شغلی، مالی، حقوقی، اعتقادی، نوامیس (آرامش و اطمینان افراد در مورد در خطر تعرض قرارنگرفتن نوامیس آن‌ها در سطح محله، شهر و به‌طور کلی جامعه)، اخلاقی (تضمین اصول و الگوهای اخلاقی در روابط و مناسبات افراد مانند اعتماد، صداقت، حسن‌نیت، سعه‌صدر، خیرخواهی و غیره)، اقتصادی، فرهنگی، عاطفی، قضایی و امنیت احساسی سنجیده شده است که برای هر بُعد چهار گویه و در مجموع ۴۸ گویه در یک طیف پنج‌درجه‌ای سنجیده شد. سازه امنیت اجتماعی از حاصل جمع گویه‌های یادشده ساخته شده است که کمترین امتیاز ۴۸ و بیش‌ترین امتیاز ۲۴۰ بود. گویه‌های این پژوهش قبلاً در پژوهش افشانی و ذاکری هامانه (۱۳۹۱)، استفاده شده بود.

احساس امنیت جانی: هر گونه تهدیدی که علیه جان انسان‌ها وجود داشته باشد. به عبارت بهتر امنیت جانی یعنی تضمین جسم و جان افراد در مقابل خطرها و آسیب‌هایی که مانع ادامه حیات آنان شود (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۹۴).

احساس امنیت شغلی: این بُعد امنیت اجتماعی صرفاً شامل شرایط و اوضاع و احوالی نیست که افراد نگران از دست‌دادن شغل خود نباشند، بلکه باید چشم‌انداز شغلی افراد در روند پیشرفت و ترقی قرار داشته باشد؛ یعنی افراد ضمن کار و انجام وظیفه و دریافت حقوق و مزد، از امکانات لازم برای بهبود شرایط و پرورش خویش برخوردار باشند (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۹۵).

احساس امنیت مالی: منظور از احساس امنیت مالی این است که دارایی و اموال افراد تا چه حد در امنیت است، تا جایی که این دارایی‌ها مورد تهدید قرار نگیرد. این امر باعث می‌شود صاحبان آن‌ها احساس امنیت و آرامش کنند (جهانتاب، ۱۳۹۰: ۱۳).

احساس امنیت اقتصادی: منظور از امنیت اقتصادی این است که تا چه حد افراد جامعه برای انجام معاملات اقتصادی و سرمایه‌گذاری در سطح جامعه خود احساس آرامش و امنیت خواهند داشت (جهانتاب، ۱۳۹۰: ۱۳).

احساس امنیت عاطفی: اطمینان از این که مردم یکدیگر را دوست دارند و هم‌نوع‌دوستی به‌عنوان یک ارزش اجتماعی، برایشان اهمیت دارد، برای دردها و مصائب، دیگران اهمیت قائل هستند و مسائلی از این قبیل که در جهان عاطفه جمعی قرار می‌گیرند (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۹۵).

احساس امنیت احساسی: اطمینان از این که دیگران ما را دوست دارند و بود یا نبودمان برایشان اهمیت دارد، دردها و مصائب ما آنان را نیز دچار اندوه و غم می‌کند و مسائلی از این قبیل که در جهان احساس و عاطفه قرار می‌گیرند (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۹۵).

احساس امنیت اخلاقی: تضمین اصول و الگوهای اخلاقی در روابط و مناسبات افراد، مانند اعتماد، صداقت، حُسن‌نیت، سعه‌صدر، خیرخواهی و غیره (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۹۵).

احساس امنیت فرهنگی: به اطمینان خاطر مردم در مورد حفظ و عدم تهدید سنت‌ها، فرهنگ‌های بومی و ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی و همچنین انجام مراسم فرهنگی سنتی در فضایی آرام و مطمئن اشاره دارد (افشانی و ذاکری هامانه، ۱۳۹۱: ۱۵۴).

احساس امنیت حقوقی: اطمینان افراد از این که چقدر حقوق شخصی آن‌ها در جامعه رعایت می‌شود و اینکه تا چه حد اجرای قوانین در جامعه تحت ضابطه است، نه رابطه (افشانی و ذاکری هامانه، ۱۳۹۱: ۱۵۴).

احساس امنیت قضایی: اطمینان و آرامش احزاب و گروه‌های قانونی برای انجام فعالیت در جامعه و همچنین اطمینان افراد و گروه‌های یک جامعه از در معرض تهدید و خطر قرارنگرفتن در صورت اعتراض و اعتصاب برای دستیابی به حقوق خود (جهانتاب، ۱۳۹۰: ۱۳).

احساس امنیت اعتقادی: یعنی افراد جامعه تا چه حد احساس می‌کنند که می‌توانند باورهای خود را آزادانه بیان کنند و در مورد مسائل و مشکلات جامعه به بحث و گفت‌وگو بنشینند (افشانی و ذاکری هامانه، ۱۳۹۱: ۱۵۴).

احساس امنیت نوامیس: آرامش و اطمینان افراد در مورد در خطر تعرض قرارنگرفتن نوامیس آن‌ها در سطح محله، شهر و به‌طور کلی جامعه (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۹۵).

یافته‌های پژوهش

اطلاعات جدول ۱، نشان می‌دهد که بیشتر جمعیت مورد مطالعه در گروه والدین را زنان (معادل ۵۴/۹ درصد) و نیز بیشتر جمعیت مورد مطالعه در گروه فرزندان را زنان (معادل ۵۷/۳ درصد) تشکیل می‌دهند. در گروه والدین، وضعیت تأهل (۹۵/۵ درصد) بیشتر از متأهلین در گروه فرزندان (۲۱/۵ درصد) است که بیشتر پاسخگویان آن‌ها مجرد گزارش شده است. وضعیت سکونت به‌صورت ۸۹/۰ درصد بومی و ۱۱/۰ درصد غیربومی در میان

گروه والدین و فرزندان شبیه به یکدیگر است. از لحاظ کیفیت محل زندگی، والدین، با ۷۰/۳ درصد و فرزندان، با ۶۴/۶ درصد در سطح متوسطی از جامعه قرار گرفته‌اند.

جدول ۱: توزیع درصدی ویژگی‌های پاسخگویان

| گروه | جنسیت | درصد | گروه | وضعیت سکونت | درصد |
|---------|-----------------|------|---------|--------------------|------|
| والدین | مرد | ۴۵/۱ | والدین | بومی | ۸۹/۰ |
| | زن | ۵۴/۹ | | غیربومی | ۱۱/۰ |
| فرزندان | مرد | ۴۲/۷ | فرزندان | بومی | ۸۹/۰ |
| | زن | ۵۷/۳ | | غیربومی | ۱۱/۰ |
| گروه | کیفیت محل زندگی | درصد | گروه | وضعیت تأهل | درصد |
| والدین | بالا | ۲۶/۸ | والدین | مجرد | ۰/۰ |
| | متوسط | ۷۰/۳ | | متأهل | ۹۵/۵ |
| | پایین | ۲/۸ | | سایر (مطلقه، بیوه) | ۴/۶ |
| فرزندان | بالا | ۲۹/۳ | فرزندان | مجرد | ۷۸/۰ |
| | متوسط | ۶۴/۶ | | متأهل | ۲۱/۵ |
| | پایین | ۶/۱ | | سایر (مطلقه، بیوه) | ۰/۴ |

به‌منظور بررسی رابطه میان ابعاد و با توجه به اینکه این متغیرها در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول‌های ۲ و ۳ در بین والدین و فرزندان به‌صورت جداگانه گزارش شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی مرتبه صفر بین ابعاد مختلف امنیت اجتماعی در بین والدین (پدران و مادران)

| ابعاد امنیت اجتماعی | جانی | شفلی | مالی | اقتصادی | اخلاقی | اعتقادی | قضایی | فرهنگی | نوامیس | حقوقی | عاطفی | احساسی |
|---------------------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|---------|----------|----------|----------|
| شفلی | ۰/۰۴۲ | | | | | | | | | | | |
| مالی | ۰/۳۹۸*** | ۰/۳۶۳*** | | | | | | | | | | |
| اقتصادی | ۰/۳۶۲*** | ۰/۳۲۵*** | ۰/۳۹۱*** | | | | | | | | | |
| اخلاقی | ۰/۱۶۶** | ۰/۳۳۳*** | ۰/۲۷۱*** | ۰/۳۴۶*** | | | | | | | | |
| اعتقادی | ۰/۱۹۲*** | ۰/۳۲۰*** | ۰/۳۱۰*** | ۰/۳۳۶*** | ۰/۳۳۶*** | | | | | | | |
| قضایی | ۰/۱۲۶* | ۰/۳۹۳*** | ۰/۳۳۰*** | ۰/۳۳۰*** | ۰/۳۳۱*** | ۰/۳۳۰*** | | | | | | |
| فرهنگی | ۰/۳۳۳*** | ۰/۱۷۲** | ۰/۱۹۱*** | ۰/۲۰۲*** | ۰/۳۲۸*** | ۰/۱۶۶* | ۰/۳۳۰*** | | | | | |
| نوامیس | ۰/۰۱۶ | ۰/۰۵۹ | ۰/۰۰۷ | ۰/۰۱۹ | ۰/۱۲۸* | ۰/۰۱۲ | ۰/۰۲۲ | ۰/۰۴۷ | | | | |
| حقوقی | ۰/۰۴۱ | ۰/۴۳۳*** | ۰/۲۶۸*** | ۰/۳۴۴*** | ۰/۴۹۵*** | ۰/۱۹۸** | ۰/۴۰۰*** | ۰/۲۴۳*** | ۰/۰۶۳ | | | |
| عاطفی | ۰/۰۷۵ | ۰/۳۱۳*** | ۰/۲۸۱*** | ۰/۱۸۲*** | ۰/۴۰۵*** | ۰/۲۱۶*** | ۰/۳۳۴*** | ۰/۱۳۳* | ۰/۰۰۸ | ۰/۲۶۶*** | | |
| احساسی | ۰/۰۱۲ | ۰/۲۸۵*** | ۰/۲۲۲*** | ۰/۱۱۶ | ۰/۳۱۸*** | ۰/۲۰۸* | ۰/۳۳۳*** | ۰/۲۰۳** | ۰/۰۱۰ | ۰/۴۱۷*** | ۰/۴۳۴*** | |
| احساس امنیت اجتماعی | ۰/۴۱۸*** | ۰/۵۴۳*** | ۰/۶۰۸*** | ۰/۵۶۰*** | ۰/۶۵۸*** | ۰/۵۶۵*** | ۰/۶۵۸*** | ۰/۵۱۹*** | ۰/۱۹۳** | ۰/۶۲۷*** | ۰/۶۰۲*** | ۰/۵۲۱*** |

***مقدار در سطح کمتر از ۰/۰۰۱

**مقدار در سطح کمتر از ۰/۰۰۱

*مقدار در سطح کمتر از ۰/۰۱

با توجه به اطلاعات جدول ۲، در گروه والدین، بین ابعاد مختلف احساس امنیت اجتماعی، بُعد نوامیس رابطه مستقیم و معناداری با دیگر ابعاد امنیت اجتماعی ندارد؛

در حالی که سایر ابعاد احساس امنیت اجتماعی، تقریباً با $P=0/000$ ، با یکدیگر رابطه مستقیم و معناداری دارند.

جدول ۳: ماتریس همبستگی مرتبه صفر بین ابعاد مختلف امنیت اجتماعی در میان فرزندان ۱۵ تا ۲۹ ساله (پسران و دختران)

| ابعاد امنیت اجتماعی | جانی | شغلی | مالی | اقتصادی | اخلاقی | اعتقادی | فضایی | فرهنگی | نوابسی | حقوقی | عاطفی | احساسی |
|---------------------|----------|-----------|-----------|----------|-----------|-----------|-----------|----------|-----------|-----------|-----------|-----------|
| شغلی | ۰/۱۸۵** | | | | | | | | | | | |
| مالی | ۰/۳۸۸*** | -۰/۳۳۶*** | | | | | | | | | | |
| اقتصادی | ۰/۳۲۲*** | -۰/۳۰۵*** | -۰/۵۰۰*** | | | | | | | | | |
| اخلاقی | -۰/۰۵۴ | -۰/۳۳۳*** | -۰/۳۴۸*** | ۰/۳۲۸*** | | | | | | | | |
| اعتقادی | ۰/۳۹۳*** | -۰/۳۳۳*** | -۰/۲۰۹*** | ۰/۳۳۳*** | -۰/۳۳۶*** | | | | | | | |
| فضایی | ۰/۳۶۶*** | -۰/۳۹۵*** | -۰/۳۳۷*** | ۰/۳۹۰*** | ۰/۲۸۸*** | -۰/۵۲۳*** | | | | | | |
| فرهنگی | ۰/۳۳۳*** | -۰/۳۳۳*** | -۰/۲۶۲*** | ۰/۳۳۳*** | ۰/۲۹۹*** | -۰/۳۳۷*** | -۰/۳۳۳*** | | | | | |
| نوابسی | -۰/۰۵۳ | -۰/۰۱۸ | ۰/۱۵۳* | -۰/۱۴۵* | -۰/۱۳۶* | -۰/۰۲۴ | -۰/۰۷۹ | -۰/۰۷۸ | | | | |
| حقوقی | -۰/۰۷۰ | -۰/۳۵۱*** | -۰/۳۴۶*** | ۰/۳۶۶*** | -۰/۳۷۰*** | -۰/۳۳۳*** | -۰/۳۷۰*** | -۰/۳۱۹** | -۰/۱۳۶* | | | |
| عاطفی | -۰/۰۶۴ | -۰/۳۳۸*** | -۰/۱۹۱** | -۰/۱۸۹** | -۰/۲۰۳** | -۰/۱۶۳* | -۰/۲۰۶** | -۰/۱۳۶* | -۰/۰۳۳ | ۰/۲۵۳*** | | |
| احساسی | -۰/۰۵۱ | -۰/۱۸۵** | -۰/۰۶۲ | -۰/۰۸۹ | -۰/۳۳۵*** | -۰/۲۱۷** | -۰/۱۹۲** | -۰/۱۳۸* | -۰/۰۱۱ | -۰/۳۹۱*** | ۰/۳۷۰*** | |
| احساس امنیت اجتماعی | ۰/۵۱۳*** | -۰/۵۸۱*** | -۰/۶۵۷*** | ۰/۵۹۳*** | -۰/۵۷۲*** | -۰/۶۰۷*** | -۰/۶۳۳*** | ۰/۵۲۶*** | -۰/۱۹۴*** | ۰/۵۹۳*** | -۰/۳۲۰*** | -۰/۳۲۰*** |

***مقدار در سطح کمتر از ۰/۰۰۱

**مقدار در سطح کمتر از ۰/۰۱

*مقدار در سطح کمتر از ۰/۰۱

اطلاعات جدول ۳، نشان می‌دهد که در گروه فرزندان، احساس امنیت اجتماعی و ابعاد آن (به غیر از بُعد امنیت نوامیس) رابطه مستقیم و معناداری دارد؛ در صورتی که در سایر ابعاد احساس امنیت اجتماعی، تقریباً با $P=0/000$ ، رابطه مستقیم و معناداری گزارش شده است.

به منظور مقایسه میانگین میزان احساس امنیت اجتماعی و دوازده بُعد آن در بین والدین و فرزندان، از آزمون تی استفاده شد که نتایج این آزمون‌ها در جدول ۴، مشاهده می‌شود.

جدول ۴: نتایج آزمون تی برای مقایسه میزان احساس امنیت اجتماعی والدین و فرزندان در ابعاد مختلف

| ابعاد احساس امنیت اجتماعی | مقولات | میانگین | انحراف معیار | تی | درجه آزادی | سطح معناداری |
|---------------------------|---------|---------|--------------|--------|------------|--------------|
| امنیت جانی | والدین | ۸/۷۰ | ۲/۸۵۸ | ۰/۵۱۷ | ۴۹۰ | ۰/۶۰۵ |
| | فرزندان | ۸/۵۶ | ۳/۲۳۵ | | | |
| امنیت شغلی | والدین | ۱۲/۹۵ | ۲/۹۰۲ | -۱/۲۷۹ | ۴۹۰ | ۰/۲۰۱ |
| | فرزندان | ۱۳/۲۸ | ۲/۸۷۷ | | | |
| امنیت مالی | والدین | ۷/۱۱ | ۲/۴۵۸ | ۰/۰۰۰ | ۴۹۰ | ۱/۰۰۰ |
| | فرزندان | ۷/۱۱ | ۲/۴۵۸ | | | |
| امنیت اقتصادی | والدین | ۹/۵۵ | ۲/۷۰۲ | -۱/۸۲۷ | ۴۹۰ | ۰/۰۶۸ |
| | فرزندان | ۱۰/۰۱ | ۲/۸۲۴ | | | |
| امنیت اخلاقی | والدین | ۱۰/۳۳ | ۲/۳۳۵ | ۱/۳۵۱ | ۴۹۰ | ۰/۱۷۷ |
| | فرزندان | ۱۰/۰۴ | ۲/۳۳۸ | | | |
| امنیت اعتقادی | والدین | ۹/۴۵ | ۲/۷۲۰ | -۱/۱۷۳ | ۴۹۰ | ۰/۲۴۱ |
| | فرزندان | ۹/۷۳ | ۲/۵۸۳ | | | |
| امنیت قضایی | والدین | ۸/۸۹ | ۲/۴۷۸ | -۵/۱۴۳ | ۴۹۰ | ۰/۰۰۰ |
| | فرزندان | ۹/۹۳ | ۲/۰۰۲ | | | |

| | | | | | | |
|-------|-----|--------|--------|---------|---------|--------------------|
| ۰/۰۳۷ | ۴۹۰ | -۲/۰۹۰ | ۲/۶۸۹ | ۸/۲۶ | والدین | امنیت فرهنگی |
| | | | ۲/۷۴۶ | ۸/۷۷ | فرزندان | |
| ۰/۸۷۷ | ۴۹۰ | -۱/۱۵۵ | ۲/۹۵۶ | ۱۴/۴۳ | والدین | امنیت نوامیس |
| | | | ۲/۸۷۲ | ۱۴/۳۹ | فرزندان | |
| ۰/۱۲۵ | ۴۹۰ | ۱/۵۳۷ | ۲/۵۵۴ | ۱۰/۶۵ | والدین | امنیت حقوقی |
| | | | ۲/۲۴۶ | ۱۰/۳۲ | فرزندان | |
| ۰/۰۲۷ | ۴۹۰ | ۲/۲۲۰ | ۲/۰۸۱ | ۱۱/۶۰ | والدین | امنیت عاطفی |
| | | | ۲/۸۰۲ | ۱۱/۰۱ | فرزندان | |
| ۰/۰۴۱ | ۴۹۰ | ۲/۰۵۱ | ۲/۱۲۲ | ۱۱/۳۱ | والدین | امنیت احساسی |
| | | | ۲/۰۱۰ | ۱۰/۹۳ | فرزندان | |
| ۰/۵۴۶ | ۴۹۰ | -۰/۵۷۷ | ۱۷/۲۰۸ | ۱۲۳/۲۳۵ | والدین | امنیت اجتماعی (کل) |
| | | | ۱۵/۵۴۰ | ۱۲۴/۰۸۹ | فرزندان | |

بر اساس اطلاعات جدول ۴، در حالت کلی بین میانگین میزان احساس امنیت اجتماعی کل در بین والدین و فرزندان ساکن شهر یزد تفاوت معناداری مشاهده نشد؛ ولی والدین و فرزندان مورد مطالعه، در ابعاد احساس امنیت قضایی، فرهنگی، عاطفی و احساسی از هم متفاوت بوده‌اند. میانگین میزان احساس امنیت قضایی در والدین (۸/۸۹) به طور معناداری ($P=۰/۰۰۰$) کمتر از فرزندان (۹/۹۳) بوده و همچنین بُعد فرهنگی احساس امنیت در والدین (۸/۲۶) به طور معناداری ($P=۰/۰۳۷$) کمتر از فرزندان (۸/۷۷) بوده است. در اینجا نیز ابعاد عاطفی و احساسی احساس امنیت در بین والدین و فرزندان متفاوت است. والدین (۱۱/۶۰) به طور معناداری ($P=۰/۰۲۷$) بیشتر از فرزندان (۱۱/۰۱) احساس امنیت عاطفی دارند و همچنین والدین (۱۱/۳۱) به طور معناداری ($P=۰/۰۴۱$) بیشتر از فرزندان (۱۰/۹۳) احساس امنیت احساسی دارند. در مورد بالاتر بودن احساس ناامنی قضایی در والدین نسبت به فرزندان می‌توان بیان داشت، با توجه به اینکه والدین در جامعه تکالیف و مسئولیت‌های بیشتری دارند؛ وظایف جدی‌تری نسبت به فرزندانشان بر عهده دارند و از آنجا که معمولاً

در جامعه مسئولیت‌های افراد مرتبط با یکدیگر است، بنابراین در معرض خطر بیشتری قرار دارند. برای مثال، بحث معاملات ملکی که بیشتر پدر و مادر و گاه مادر با آن در ارتباط است، چنانچه ایرادی در این قضیه باشد، درگیر امور قضایی می‌شوند و یا در مورد اشتباه و جرائم فرزندان نیز این والدین هستند که باید پیگیری‌های لازم را انجام دهند و علاوه بر این‌ها در مشاغل خاص نیز ممکن است اختلافاتی به وجود آید و والدین را درگیر مسائل قضایی کند؛ بنابراین مسائلی را مشاهده و ملاحظه می‌کنند که در افزایش احساس ناامنی آن‌ها بی‌تأثیر نیست.

در مورد بالاتر بودن احساس ناامنی فرهنگی در والدین نسبت به فرزندان می‌توان گفت که این امر با توجه به اینک‌های والدین از لحاظ تنوع ارتباطی با قشرهای مختلف در سطحی بالاتر از فرزندان هستند و از طرفی، به دلیل اینک‌های مراقبت فرزندان بر عهده آن‌ها است باعث می‌شود که والدین در معرض آسیب‌های فرهنگی بیشتری باشند. برای مثال، نحوه انتقال فرهنگ خانوادگی و یا دینی والدین به فرزندان، در جامعه کنونی به دلیل وجود تهدیدات و تعرضات فرهنگی بسیار حساس و دشوار است؛ همچنین والدین با پایبندی بیشتر به آداب و رسوم و فرهنگ ملی خود تعصب بیشتری نسبت به حفظ ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی خود در مقایسه با فرزندان‌شان دارند؛ که این دلایل به نحوی بر ناامنی فرهنگی والدین در جامعه در حال تغییر و دگرگونی دامن می‌زند.

در مورد بالاتر بودن احساس ناامنی عاطفی و ناامنی احساسی در فرزندان نسبت به والدین، می‌توان اظهار داشت که اقتضای سنی فرزندان به گونه‌ای است که بیشتر تحت تأثیر تحركات عاطفی و احساسی قرار می‌گیرند. این امر یک مسئله روان‌شناختی و ذاتی است که در هر انسانی و در برهه‌ای از زندگی بیشتر نمود و جلوه پیدا می‌کند؛ از طرفی فرزندان به دلیل دوستی‌های عمیقی که در این دوره از زندگی دارند و نیازهایی که نسبت به داشتن یک همراه و همدل در آن‌ها وجود دارد، عوامل عاطفی و احساسی بیشتری می‌تواند در آن‌ها غلبه کند؛ در نتیجه هرگونه تنش، چه از سوی خانواده و چه از سوی جامعه، موجب می‌شود که روح و روان فرد خدشه‌دار شده و موجب ناامنی عاطفی و احساسی فرد می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تفاوت میزان احساس امنیت اجتماعی در بین دو نسل والدین و فرزندان ساکن شهر یزد صورت گرفت؛ بنابراین احساس امنیت اجتماعی در دوازده بُعد در بین والدین و فرزندان یزدی مقایسه شد

انسان موجودی است نیازمند و نیاز سرتاسر وجودش را فرا گرفته است. در میان همه نیازها که هر یک در جای خود ضروری است، نیاز انسان‌ها به امنیت بسیار حساس و انکارناپذیر است؛ به گونه‌ای که شاید بتوان آن را در درجه نخست اهمیت قرار داد. انسان اگر از همه مواهب زندگی برخوردار باشد، ولی سایه ترس و وحشت بر سر او افتاده باشد، گویی هیچ ندارد؛ از این رو امنیت حق مسلم و اساسی هر فرد به‌شمار می‌رود. مسئله امنیت اجتماعی از جمله نکات قابل تأملی است که تقریباً از زمان تولد جوامع انسانی مورد توجه عموم قرار گرفته است و وجود نهادی که تضمین‌کننده امنیت باشد از دوره نظام قبیله‌ای تاکنون رعایت شده است. در جوامع توسعه یافته یا در حال توسعه با افزایش جمعیت و پیچیده‌تر شدن نوع زندگی و تنوع نیازهای جوامع شهرنشینی و تعامل دوسویه، مسئله امنیت نیز اهمیت می‌یابد. مازلو، در هسته اصلی نظریه خود ضمن تأکید بر فطری بودن نیازهای انسان آن‌ها را به پنج دسته تقسیم می‌کند و بعد از نیاز فیزیولوژیک (مثل خوراک و پوشاک)، نیاز به ایمنی و امنیت را نام می‌برد؛ زیرا در سایه امنیت است که انسان به سایر نیازها، از قبیل روابط اجتماعی و محبت، نیاز به احترام متقابل و نیاز به خودشکوفایی می‌رسد. انسانی که به‌طور مداوم از لحاظ ذهنی درگیر مسئله عدم امنیت باشد به خودشکوفایی و استقلال نمی‌رسد و این مورد نه برای تک‌تک انسان‌ها، اعم از زن و مرد، بلکه برای کل یک جامعه مصداق دارد.

یافته‌های حاصل از آزمون تی برای مقایسه ابعاد احساس امنیت اجتماعی در بین والدین و فرزندان نشان می‌دهد که احساس امنیت اجتماعی والدین و فرزندان در کل ۰/۵۴۶، به‌دست آمده است. این امر حاکی از آن است که تفاوت معناداری در رابطه با میزان احساس امنیت اجتماعی در بین والدین و فرزندان یزدی وجود ندارد؛ در صورتی که بین میزان امنیت قضایی با سطح معناداری ۰/۰۰۰ و امنیت فرهنگی با سطح معناداری ۰/۰۳۷، در والدین و فرزندان تفاوت وجود دارد؛ در واقع امنیت قضایی و فرهنگی والدین کمتر از فرزندان است و به تبع آن بین میزان امنیت عاطفی با سطح معناداری ۰/۰۲۷ و احساسی با

سطح معناداری ۰/۰۴۱ در والدین و فرزندان تفاوت وجود دارد؛ به گونه‌ای که امنیت عاطفی و احساسی فرزندان کمتر از والدین است. در امنیت قضایی افراد باید بتوانند در کوتاه‌ترین زمان ممکن، به حقوق خود، اعم از حق فردی و اجتماعی، دست یابند؛ بنابراین وجود امنیت قضایی به نحو کامل و جامع در کشور اهمیت بسیاری دارد. تقویت دستگاه قضایی، یکی از راه‌های برقراری امنیت است و این مسئله تأثیر بسیار زیادی در پیشگیری از وقوع جرم، ایجاد امنیت و افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم دارد. امنیت فرهنگی در معنای عینی آن «فقدان تهدید» میراث فرهنگی و آثار و ارزش‌های کسب شده است و در معنای ذهنی آن «فقدان ترس» از هجمه‌ها و حمله‌هایی است که ارزش‌ها، آداب و رسوم، اعتقادات و باورها را در معرض خطر استحاله و یا نابودی قرار می‌دهد. به‌خاطر نقش و جایگاهی که فرهنگ در هویت و موجودیت انسان و پیشرفت جوامع بشری دارد و نیز به‌خاطر نفوذ گسترده و مؤثر فرهنگ به همه ابعاد زندگی بشر، اعم از فردی و جمعی، مادی و معنوی، روحی و جسمی و همچنین تأثیری که مسائل فرهنگی بر سایر بخش‌ها دارد تأمین امنیت فرهنگی، دارايموقعیت و حساسیت بیشتری است. بر این اساس ارتقای فرهنگی، موجب می‌شود تا امنیت اجتماعی افزایش پیدا کند و با افزایش امنیت اجتماعی، موجبات افزایش امنیت اقتصادی و سیاسی نیز فراهم می‌شود؛ از طرف دیگر، دستیابی به امنیت ملی زمانی میسر می‌شود که امنیت تک‌تک افراد جامعه تضمین شود و نخستین گام در جهت تأمین امنیت افراد، تأمین امنیت فرهنگی و روانی آن‌ها است (فرهنگ و تهاجم فرهنگی ۱۳۷۳: ۳۸۱). نخستین شرط سلامت عمومی، داشتن احساس امنیت عاطفی و احساسی است. حتی جامعه بیش از آنکه به آسایش نیاز داشته باشد به امنیت عاطفی و احساسی نیازمند است. امروزه برخی افراد جامعه دچار احساس ناامنی عاطفی و احساسی شده‌اند که داشتن این احساس، اضطراب‌آفرین است و اضطراب نیز علت اصلی مشکلات عصبی و روانی است؛ در نتیجه این احساس با خود خیل عظیمی از اختلالات روانی را خواهد داشت. متخصصان بر این باور هستند که هر چه در جامعه ثبات سیاسی، مالی و اجتماعی بیشتری حاکم باشد، به همان نسبت احساس امنیت عاطفی و احساسی در مردم بالا می‌رود و کمتر ناهنجاری‌ها و آسیب‌های روانی مشاهده می‌شود. ویلیام جیمز، روان‌شناس آمریکایی این نکته را مطرح می‌کند که برای مطالعه نفس مناسب است کار را با وسیع‌ترین مفهوم پذیرش همگان آغاز کنیم؛ سپس گام به گام به سمت دقیق‌تر کردن این مفهوم پیش برویم؛ بنابراین اگر قرار است

در جامعه امنیت گسترش یابد باید فرهنگ امنیت تولید شده و به شکل‌گیری پایه‌های اعتماد، بلوغ عاطفی و خودشناسی جوانان، اهمیت داده شود (قادری، احمدی و قاسمی، ۱۳۹۲: ۴۸). مازلو، سلسله‌مراتبی از نیازها را ارائه کرده است که از نیازهای زیستی آغاز می‌شود و در سطح بالاتر به انگیزه‌های روانی پیچیده‌تری می‌رسد که تنها پس از برآوردن نیازهای اولیه نقش مهمی بر عهده می‌گیرند. در هرم سلسله‌مراتب نیازهای مازلو نیازهای ایمنی، احساس امنیت کردن و دور از خطر بودن بعد از نیازهای فیزیولوژیک قرار گرفته است، به اعتقاد وی این نیاز بیانگر آن است که فرد به آرامش نیاز دارد. بر اساس نظریه مازلو، نیاز به امنیت یک نیاز روانی است که در صورت ارضانشدن، روان آدمی آزرده می‌شود (کجباف، ۱۳۸۱: ۲۵). دورکیم، امنیت را در همبستگی جامعه مهم می‌داند و بر مقررات و قواعدی تأکید می‌کند که ریسک‌پذیری آزاررساندن افراد به یکدیگر را کاهش دهد، حقوق دیگران را رعایت و امیال و هوس‌های افراد را مهار کند و بدین‌سان امنیت با ایجاد نظم اجتماعی از طریق قوانین و مقررات با ایجاد نظم حقوقی، تکالیف افراد را مشخص ساخته و افراد به لحاظ وابستگی به جامعه و به یکدیگر، خود را موظف می‌سازند تا حدود یکدیگر را رعایت کنند و نیازی به قوای قهری و بیرونی که هزینه‌های جامعه را نیز افزایش می‌دهد، نباشد (صالحی‌امیری و افشاری‌نادری، ۱۳۹۰: ۵۸-۵۷). با توجه به دیدگاه دورکیم، می‌توان نتیجه گرفت که در جوامع گذشته به دلیل نبود همبستگی مکانیکی (مشارکت و نوع‌دوستی میان افراد، تعاملات نزدیک و چهره‌به‌چهره، وجدان جمعی، پررنگ بودن نقش مذهب و دین و غیره)، نسل قدیم، یعنی پدر و مادرهای امروزی، از احساس امنیت بیشتری نسبت به فرزندانشان (نسل جوان) برخوردارند. به طور خلاصه، همبستگی مکانیکی، همبستگی از راه همانندی است. وقتی این شکل از همبستگی بر جامعه حاکم باشد، افراد جامعه چندان باهم تفاوتی ندارند؛ زیرا به ارزش‌های واحدی وابسته هستند و مفهوم مشترکی از تقدس دارند؛ ولی همبستگی ارگانیکی و اندامی، افراد در جامعه دیگر همانند و یکسان نیستند، بلکه هر کدام در رشته خاصی تخصص دارند که دیگری نمی‌داند و هر کدام نیاز دیگری را برطرف می‌کنند. همین نیازمندبودن همبستگی‌آفرین است. این نیازمندی را دورکیم، به اندام‌های موجود زنده تشبیه می‌کند که هر کدام وظیفه خود را انجام داده و همانند هم نیستند؛ ولی همگی برای حیات موجود زنده با هم همکاری و همبستگی دارند.

منابع

- احسانی فرد، علی اصغر؛ شعاعی، حمیدرضا؛ مالکی شجاع، کیانا (۱۳۹۲) «ارزیابی میزان احساس امنیت شهروندان در شهرهای جدید، مورد پژوهی: شهر جدید اشتهارد»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۱: ۳۱۷-۳۳۴.
- احمدی، یعقوب؛ بیبا حامد (۱۳۹۰) «سنجش وضعیت تفاوت نسل‌ها در ابراه‌های فرهنگی، اجتماعی (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۲: ۲۰۸-۱۸۵.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱) «ساختار و تأویل امنیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱: ۱۸-۱.
- افشار کهن، جواد؛ رحیقی یزدی، محمد (۱۳۹۲) «تأثیر عوامل محیطی و اجتماعی بر احساس امنیت شهری (مورد مطالعه: محلات منتخب شهر یزد)»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، شماره ۸: ۷۸-۵۹.
- افشانی، سیدعلیرضا و راضیه ذاکری هامانه (۱۳۹۱) «مطالعه تطبیقی میزان احساس امنیت اجتماعی زنان و مردان ساکن شهر یزد»، زن در توسعه و سیاست، شماره ۳: ۱۶۲-۱۴۵.
- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۳) رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی. مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران، تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- بوزان، باری (۱۳۷۸) مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهیان، شاپور و آمنه فیروزآبادی (۱۳۹۲) «بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهرها (مطالعه موردی: شهر کرمان)»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، شماره ۶: ۱۰۳-۱۲۲.
- بیات، بهرام (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی احساس امنیت، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- تنهایی، ابوالحسن (۱۳۷۴) مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: مرندیز.
- جهانتاب، محمد (۱۳۹۰) «تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت»، پایان‌نامه دکتری در رشته جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی نظم، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- حسن‌زاده ثمرین، تورج؛ همتی گیلانی، مهناز؛ مسعودی گزی، منیره (۱۳۹۳) «بررسی و تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی (مطالعه کارکنان استانداری استان گلستان)»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، شماره ۱: ۱۳۶-۱۱۸.
- خواججه‌نوری، بیژن؛ کاوه، مهدی (۱۳۹۲) «مطالعه رابطه بین مصرف رسانه‌ای و احساس امنیت اجتماعی»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، شماره ۲: ۷۸-۵۸.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳) صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- ذاکری هامانه، راضیه و علیرضا افشانی و عباس عسکری ندوشن (۱۳۹۱) «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی در شهر یزد»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱۳: ۱۱۰-۸۳.
- ربیعی، علی (۱۳۸۴) مطالعات امنیت ملی، مقدمه‌ای بر نظریه‌های ملی در جهان سوم، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- رضویان، محمدتقی؛ پرویز آقایی (۱۳۹۳) «بررسی و ارزیابی احساس امنیت اجتماعی در محله، نمونه موردی: مطالعه تطبیقی محلات جماران و فاطمی»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، شماره ۲۰: ۴۴-۵۶.
- روی، پل (۱۳۸۲) «معمای امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره سوم، ترجمه منیژه نویدنیا: ۶۰۵-۷۰۸.
- ساروخانی، باقر؛ نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵) «امنیت اجتماعی خانواده و محله سکونت در تهران»، رفاه اجتماعی، شماره ۲۲: ۸۷-۱۰۷.
- ساروخانی، باقر؛ صداقتی‌فرد، مجتبی (۱۳۸۸) «شکاف نسلی در خانواده ایرانی؛ دیدگاه‌ها و بینش‌ها»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، شماره ۴: ۳۱-۸.
- شایگان، فریبا؛ حسینی، رضا (۱۳۹۲) «نقش نیروی انتظامی در امنیت اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، شماره ۴: ۱۸-۲.
- شولتز، دوان؛ آلن، سیدنی (۱۳۷۵) نظریه‌های شخصیت (ترجمه یحیی محمدی)، تهران: نشر ویرایش.
- صالحی‌امیری، رضا؛ افشاری‌نادر، افسر (۱۳۹۰) «مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران»، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۹: ۴۹-۷۶.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۷) طرح مسائل اجتماعی در ایران: اهداف و ضرورت‌ها در مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران چاپ دوم، تهران: انتشارات آگه و انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰) سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- فرهنگ و تهاجم فرهنگی (۱۳۷۳) سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قادری دهکردی، زهرا؛ احمدی، رضا؛ قاسمی پیر بلوطی، محمد (۱۳۹۲) «بررسی رابطه خودشناسی، بلوغ عاطفی با امنیت اجتماعی دانش‌آموزان شهر کرد»، فصلنامه دانش انتظامی چهارم‌محل و بختیاری، شماره ۲: ۴۰-۵۰.
- کجباف، محمدباقر و ربانی، رسول (۱۳۸۱) روان‌شناسی رفتار ترس، دیدگاه‌ها و نظریه‌ها با تأکید بر عوامل اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور.
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۰) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- کاهه، احمد (۱۳۸۴) مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، جلد ۱، تهران: انتشارات گلپونه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) تجد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- (۱۳۸۱) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ هفتم، نشر نی: تهران.
- محمدی، جواد؛ بگیان، محمدجواد؛ موسوی، سهراب (۱۳۹۱) «بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی با کیفیت زندگی زنان شهر کرمانشاه»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۱: ۱۵۶-۱۴۳.

- مک سوینی، بیل (۱۳۹۰) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی امنیت، ترجمه محمدعلی قاسمی و محمدرضا آهنی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نصری، قدیر (۱۳۸۵) «فهم فمینیستی امنیت ملی، الزامات روش شناختی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره سوم: ۵۴۱-۵۱۳.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲) «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱: ۷۶-۵۵.
- (۱۳۸۵) «گفتمان پیرامون امنیت اجتماعی»، فصلنامه امنیت اجتماعی، شماره ۴ و ۵.
- یحیی‌زاده، حسین؛ خدری، بهزاد (۱۳۹۲) «بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین دختران کارشناسی دانشگاه آزاد بیرجند»، فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی خراسان جنوبی، شماره ۵: ۶۴-۴۹.

- Barak. G. (Ed). (1994) *Medin, Process and the Social Construction of Crime*. New York: NY. Garlan.
- Jackson, J and Sunshine, J. (2007) "Public Confidence in Policing: A Neo-Durkheimian Perspective", *British Journal of Criminology*, 47: 214-33.
- Jones, Richard W. (1999). *Security, Strategy, and Critical Theory*, London, Lynne Rienner Publications.
- Lindestrom, Martin; Merol, Joan & Ostergren, Per-Olof, (2003) "Social Capital and Sense of Insecurity in the Neighbour: a Population-Based Multilevel Analysis in Malmo, Sweden. *Social Science & Medicine*, Vol 5: 1111-1120.
- Lindstrom, M (2008) "Social Capital anticipated Ethnic discrimination and Self reported psychological health: A population-based Study", *Social Science & Medicine*, 66: 1-13.
- Putnam, R. D. & Goss. K. A. (2000) *Introduction in Putnam. Democracies in Flux. The Evolution of Social Capital in Contemporary Society*. Oxford University Press.
- Raina, Shruti, Kiran Sumbali Bhan (2013) "A Study of Security-Insecurity Feelings among Adolescents in Relation to Sex, Family System and Ordinal Position", *International Journal of Educational Planning & Administration*, pp. 51-60.
- Skogan, W. G. (1986) "Fear of Crime and Neighborhood Change, in Reiss A. & Tonry M. (eds)", *Crime and Justice: An Annual Review of Research*, The University of Chicago Press, Chicago, 8: 203-229.
- Verma, Sanju, Joginder Mukherjee (2014) "Home Environment In Relation To Feeling of Security and Self Confidence of Adolescents", *IOSR Journal of Research & Method in Education (IOSR-JRME)*, pp. 38-40.